

میتود تصویر و تجسم یافته های معرفتی در شرق و غرب

قسمت دوم گفت و شنود با آفرینشگر « گوهر اصیل آدمی »:

پیش تبصره ای در مورد قسمت دوم مصاحبه ی اختصاصی با اندیشه پرداز توانای کشور محترم محمد عالم افتخار:
من خوشنودم؛ ازینکه قسمت اول این مصاحبه در نشرات انترنتی، در گستره ی وسیعی نشر و بازتاب یافت. از جانب دیگر، بعد از نشر آن، واکنش های عدیده کاربران و دوستانی را که با من تلفونی ویا از طریق ایمیل در تماس شده اند، و ازین مصاحبه استقبال گرمی نموده اند؛ نیز حاصل کرده ام که نظریات و پیشنهادات ایشان به مقبولیت و جذابیت این مصاحبه، غنای هر چه بیشتر می بخشد.
همچنان دوستان پیشنهاد نموده اند که برای معرفی و آشنایی کتاب " گوهر اصیل آدمی " ، بانیست سوال ها و پاسخ ها بسیار عام فهم، سلیس و موجز ارایه و به آن پرداخته شود. ضمن ابراز سپاس از دوستان، این نکته را جدا" در مصاحبه ی بعدی مطرح نظر قرار خواهم داد.

با سلام مجدد!

میخواهم جوابهای کوتاه ، مختصر و روشن، اما ساده ارایه گردند.

پاسخ : درود و احترامات فایقه به شما و هم اندیشان و همراهان پیشرو در دانش و عمل بشری در کشور و در جهان امروز!
این ؛ کمال مطلوب همهء ماست ولی برای "ساده و روشن" متأسفانه به آسانی نمیتوان معیار تعیین کرد و باز تعیین کننده آن است که از چه صحبت میکنیم .
مثلاً نه فقط تئوری و فرمول های نسبیت یا فیزیک کوانتم را نمیتوان به دلخواه هرکس ؛ در هرشرایطی چنان "ساده و روشن" کرد که او میخواهد و می طلبد بلکه حتی طبقه و جامعه و سرمایه و استثمار و عدالت و آزادی و حق و کشف و راز و جهان و جهانشمول... را هم نمیتوان طوری بیان داشت که همه گان به یکسان و بی درد سر آنها را درک نمایند. اگر چنین مطلوبی به دست آمدنی می بود ؛ اینک دنیا گل و گلزار بود و از جمله کم از کم «مترقی» های افغانستان در سرخی ی فلان شفق داغ جمع و جور می بودند!

فقط اطمینان میدهم که در «گوهر اصیل آدمی» اساساً برای "ساده و روشن" ساختن جهانشناسی و فروع آن ریاضت کشیده شده است و بس!

سوال - پشتی جلد کتاب چنان با مهارت طرح و دیزاین شده است که بیننده را آنا بخود جلب مینماید. گزینش، آرایش و آمیزش رنگ ها و به ویژه نور پردازی ها را که از قلب بر می خیزد، میتوان از تراوش فهم هوشمندان ای برشمرد. خاصتاً قلب نورانی ای که همه جهان را در خود دارد؛ صد ها سوال را در ذهن انسان تداعی میکند. اما انسانی که به درختی گویا پناه برده است، شعری از مولانای بزرگ را در ذهن زنده می سازد که فرموده اند:

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

- آیا این حدس و گمان، به واقعیت قرین خواهد بود یا خیر؟ در غیر آن چه پیوندی با محتوای کتاب میتواند داشته باشد؟

پاسخ :

اجازه دهید ؛ از شما ابراز ممنونیت ویژه نمایم . اینکه علم کرده اید " آفرینشگر «گوهر اصیل آدمی» کاشف راز های معرفتی ی جهانشمول است" ؛ باز هم کوه بزرگ مسئولیت را به شانه های من قرار میدهد و من طبعاً باید ارزش آنرا داشته باشم . راستش پرسش اصلی شما در قسمت اول ؛ پرسش بزرگ و وزینی بود و تا جائیکه من گفت و شنود را آخرین بار مرور نمودم ؛ به ساده گی ممکن ؛ به آن پرداخته شده ؛ و در پیوند به متن خبر چاپ کتاب ؛ به بهترین وجه ممکن ویراستاری و تقدیم گردیده است ! ما در «گوهر اصیل آدمی» با یک اثر روبرو استیم که ژرفترین و حیاتی ترین - و میتوانم اضافه کنم انسانی ترین یافته های معرفتی ی بشری در شرق و غرب - را نه تنها ساده سازی میکند ؛ بلکه آنها را به تصویر میکشد ؛ و قرار است اینهمه را که در محیط های بسته و نادسترس اکادمی ها و ... ؛ برای عامه مردم به شمول توده های بزرگ بیسواد قرار داشته و به ناگزیر قرار دارد ؛ روی پرده سینما بیاندازد تا از راه چشم به دماغ آنان فرستاده شود .

من درین مورد از همه تمنا دارم مقاله «پرتوی بر هدف» (1) را که پیشگفتار گشایگر کتاب است ؛ در لینک زیرین مروری بفرمایند :

همین چند روز پیش بود که با دوست فرهنگی ی عزیز صحبت استثنایی پیرامون «گوهر اصیل آدمی» داشتم ؛ یک مرتبه با نوعی ابراز تأثر گفت :

"نباید «گوهر اصیل آدمی» را ((کتاب)) می نامیدید ؛ این واژه بسیار ناتوان است و باز به هر سیاهه بی محتوا و بیکاره و حتی ابتر و مزخرفی اطلاق شده است و میشود!!!"

سؤال : من تقریباً دریافتم که ایشان چه میخواستند ؛ بگویند لیکن غیر از اصطلاح و نام ((کتاب)) ؛ فعلاً واژه نداریم ؛ داریم !؟

پاسخ : فکر میکنم نداریم . بر علاوه «گوهر اصیل آدمی» بیش از هر چیز دیگر؛ همین حقیقت تلخ و گمراه و حتی تباه کننده را می نمایاند که کلمات و واژه های بشری در حدی لجن آلود و مسموم گردیده که حتی یکی از آنها میتواند در مراحلی از رشد و رسش جنین و کودک ؛ «گوهر آدمی» را تخریب کند !

« عالم صغیری که عالم کبیر را در خود دارد»

سوال : در همین مورد هم بعد ها پرسش ها زیاد خواهد بود ؛ حالا خواهش میکنم کمی بر طرح پشتی مکت نمایند :

پاسخ : همانطور که کتاب گوهر اصیل آدمی ؛ محضاً ((کتاب)) نیست ؛ این پشتی یا روی جلد هم چیز متعارف نیست و به ساده گی پدید نیامده است . من برای طرح پشتی حتی به همه هموطنان و همفرهنگان هنرمند صلاهی عام دادم و موازی به آن ده ها طرح و ایده طرح آزمایش گردید . بهترین شهکار های هنری که در انترنیت پیدا میشد ؛ مورد بررسی قرار گرفت تا سرانجام از میان آنها دوسه نقاشی و تصویر پرتوان و منطبق بر متن کتاب ؛ دستیاب گردید .

حتی اینکه با چه مقدار زحمات از تألیف این دو سه تصویر ؛ طرح واحد کنونی به دست آمد ؛ شما خود در جریان بوده همراه با ارجمند علی فرمند ؛ چه ساعات و روز هایی از وقت گرانبها و توان و خلاقیت خویش را وقف نموده اید .

وقتی تصویر تألیف شده نهایی به مطبعه مربوط رسید ؛ من جمله دیزاینر «گوهر اصیل آدمی» توسط برنامهء " این دیزاین" (2) هیجانی شد و در جمع مسئولان و متخصصان مطبعه گفت :

اگر شما 3-4 کتاب را با چنین جلد بیرون دهید ؛ شهرت مطبعه به آسمان خواهد رسید ؛ و همه پس از دقت به طرح آنرا تائید و تحسین کردند. حتی این اقبال که تنها منحصر به ارباب مطبعه هم نبود ؛ ما را از اینکه نوشته اولیهء نام کتاب مقداری تیره بود ؛ غافل گردانید که بعد از چاپ نخستین مجلدات ؛ در واقع خواننده گان آنرا گوشزد کردند و نام کتاب با روشنی و برجسته گی باز سازی گردید .

سوال : و اندکی در مورد پیوند طرح با متن « گوهر اصیل آدمی»...

پاسخ : چنانکه شما به درستی خاطر نشان ساختید ؛ قلبی که جهان را در خود دارد – صرف نظر از اینکه نزد پردازندهء نخستین چه مصداق داشته است ؛ اینجا نه تنها نمادی از گوهر اصیل آدمی و تعریف موجودی آرمانی به نام «بشر = آدمی» است ؛ بلکه علاوه تا می نمایاند که این ؛ دنیا را در خود داشتن صرف عبارت از دانش ها و اطلاعات

جغرافیایی و تاریخی و غیره یا همان «عالم صغیری که عالم کبیر را در خود دارد!» نیست ؛ بلکه عشق در بالاترین مقیاس ها هم هست !

سوال : و انسانی که به درخت پناه برده ؟

پاسخ : اجازه دهید همین جا به عرض برسانم که نزد من «انسان» و «بشر» عین مفهوم را ندارد و خوشبختانه در فرهنگ های مشرق زمین و منجمله در قرآن مجید هم ؛ این ها ؛ تعریف ها و افاده های متفاوت دارند که سخت مهم است !
یعنی همه آنانیکه " انسان " اند ؛ بشر میباشند و "انسان" غیر بشر نداریم ولی همه افراد بشر به یک اندازه "انسان" نیستند . شعر عارف بزرگ شرق که شما فوقاً آورده اید ؛ بهترین بیان این مفهوم در تصویر هنری است !
نماد بشری ایکه در تصویر به درخت پناه برده و کسی است که به حکم وظیفهء طبیعی رسالت ادامه نسل را دارد ؛ در بیزاری از پیرامونیان موجود بشری که گوهر معیوب دارند ؛ دست به دامن طبیعت شده است تا نیمهء کامل کننده خود را در آن بجوید .
برترین قهرمان مماتل در رمان - درام ((گوهر اصیل آدمی)) که بالاخره یک کودک دارای «گوهر اصیل آدمی» را به دنیا می آورد ؛ به ناگزیر همانند این است و بخش کامل کننده بنیانی ی گوهر را از طبیعت ؛ دریافت کرده و در باکره گی حامله و بالاخره مادر میشود .

ولی با تأسف که بیش از این نقش ایفا کرده نمیتواند ؛ او میمیرد تا کودک دارای «گوهر اصیل آدمی» در یک فضای اسطوره ای تحت مواظبت رب النوع زمان (= حقیقت تاریخ یا تاریخ حقیقی!) و «جادوگر» فوق الکترونیکی که همو میسر میسازد ؛ بیالد و دقیقاً چنان میشود که حافظ بزرگ فرموده است :
آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست **عالمی دیگر بیاید ساخت و ز نو آدمی !**

سوال : فکر میکنم هیجان نیست ؛ کاملاً به عقل خود در می یابم که هنوز من از این اوج ها خیلی دور استم و به اجازه شما این همصحبتی عجیب با شما را به خود و به همه هموطنان محرومیت زده و بلاکشیدهء خود تبریک میگویم !

پاسخ : درود بر شما و همه هموطنان و هم فرهنگان گرامی در هر سطح فکری و اندیشه ای که قرار دارند . منتها اینها مراحل کمالی ی آرمانی است و ما نباید سرسری آنرا به وضع هرکس و هرجامعه در امروز یا دیروز یا حتی فردای نزدیک ؛ تطبیق کنیم و از آن نتایج غیر مسئولانه بگیریم !

سوال - راستش که من در آغاز بخاطر اظهار تبریکی آنچنان بهت زده شده بودم که آن سوالاتی را که بانئست در اول مطرح میکردم به فراموشی سپردم. لطف نموده در مورد اینکه کتاب " گوهر اصیل آدمی" دارای چند صفحه و چند قسمت میباشد معلومات ارایه فرمایند:

پاسخ : کتاب «گوهر اصیل آدمی» چنانکه شما در خبر چاپ آن آورده اید ؛ دارای 450 صفحه میباشد ؛ در دیزاین نخست ؛ چیزی بالاتر از 1000 صفحه شده بود که هم قیمت چاپ بسیار بالا میرفت و هم کم از کم باید در 2 جلد تقسیم میگردید. با فشرده سازی و اندکی عریض ساختن قطع ؛ توانستیم به شکل کنونی در آوریم ؛ با اینهم 550 گرام وزن دارد.

کتاب دارای شرح های کوتاه مشخصات و پیشگفتار گشاینده و رهنما برای خواننده میباشد و اما به خاطر ایجاد بینش مقدماتی سایننتیک بر جهان هستی و حقیقت منفی وضع کنونی ی بشری ؛ از یک البوم رنگی 16 صفحه ای برخوردار است .

هم این البوم و هم «یاد داشت هایی از یک سفر» (3) نویسنده در سرزمین تیپیک هندوستان (حاوی 13 قسمت که با تصاویر گویا در 100 صفحه اخیر فشرده شده و به حیث کتاب دوم آمده) با متن داستان - درام - فیلمنامه «گوهر اصیل آدمی» پیوند آگاهانه و ذاتی دارد.

« یاد داشت هایی از یک سفر » ؛ تحقیق هدفمندانه میباشد !

سوال : همینجا میخوام عرض کنم که بعضی دوستان می پرسند ؛ سفر نامه که زیاد است و هرکس حالا یک جای دنیا که رفت اغلب یک سفرنامه کوتاه یا دراز می نویسد ؛ لذا سفر نامه کدام اهمیت به کتاب نمیدهد و حتی مقداری آنرا کم اهمیت جلوه میدهد ؟ جالبتر خواهد بود که مثالی هم درینمورد بزنم . روزی با دوست عزیز و همکار پیشینم محترم هادی ابوی یکی از دیپلومات های مجرب و کهنه کار کشور ملاقی شدم. بعد از احوال پرسسی برایم گفتند: « در یکی از سایتهای انترنتی، بصورت تصادفی "یاد داشت هایی از یک سفر" نوشته ی محترم عالم فتخار را باز کردم. طوریکه میدانید، من نی تنها تحصیلاتم را در هند به پایان رسانیده ام، بل در آن کشور ماموریت دیپلوماتیک هم داشته و سالیانی را بسر برده ام . هندوستان را نسبتاً من خوب میشناسم . زمانیکه نوشته ی "یادداشتهایی از سفر" محترم افتخار را خواندم ، این نوشته آنقدر عمیق، جالب و شگفت آور بود، که بعد از مطالعه ی آن در جستجوی بخشهای دیگر آن نیز شدم تا آن ها را دریابم و بخوانم». استقبال گرم ایشان ازین نوشته ها بمن تحرك و انرژی بیشتری ارزانی کرد. که نگارش همین گفت و شنود، حاصل پیامد تفاهم با ایشان بوده است.

اظهارات محترم هادی ابوی که توام با ژست و حرکات هیجانی بیان میشدند، نمایانگر ارزش پژوهش های بینهایت ژرف اندیشانه و شما میتواند بود که خالق این آثارشگرف علمی- فلسفی، جهانشناسانه و بشر شناسانه بوده اید .
اما بهتر نخواهد بود تا منبع بعد برای چنین نگارش های دوامدار و سلسله ای عنوان های متعدد از متن انتخاب گردند تا مورد توجه قرارگیرند؛ چونانیکه من درین مصاحبه این تجربه را به کار خواهم بست؟

پاسخ : درود به این پرسش !
و درود به ابوی گرامی و یاران و همفکران و همزمان همانند شان!
ولی من تصور میکنم جواب لازم ؛ بیشتر در مورد واژه ((کتاب)) آمد . واژه " سفر نامه " و " یاد داشت از سفر " و غیره هم بدبختانه چنین است !
به این حساب همچنانکه « گوهر اصیل آدمی» یک کتاب معمولی و متعارف و مانند "همه کتاب ها " نیست ؛ «یاد داشت هایی از یک سفر» سفرنامه متعارف و معمولی و الکی نیست ؛ هندوستان یک لابراتوار عظیم تاریخ و فرهنگ بشری است و من خوشبختم که توانستم «گوهر اصیل آدمی» را درین لابراتوار عظیم نیز محک بزنم و به مدد آن فهما تر و مقبولتر و متقاعد کننده تر سازم .
در قسمت گونه ارائه "یاد داشت ها... " و دیگر متون ؛ من نیز تا حدودی نظر بسیار خوب شما را به کار بسته ام . البته در آینده – اگر توان و عمر باقی بود – بیشتر توجه خواهم کرد . بسیار تشکر .

سوال- انگیزه ی نگارش این کتاب سیانتفیک و علمی – هنری بزرگ چگونه و چه زمانی برایتان دست داد؟

پاسخ : من طی سی سال و خاصتاً دههء اخیر به مطالعات و نگارش های فلسفی و جهانشناسانه ، بشر شناسانه و جامعه شناسانه ... می پرداختم. تا اگر بتوانم یک تئوری و نقشه راه علمی تر و انطباقی تر بر شرایط و ماحول و جغرافیا و موقعیت جیوپولیتیک و روان اجتماعی در افغانستان را به سهم خویش تدوین نمایم .
دست نوشته های این زمان شاید بیشتر از 5000 صفحه مقالات و رساله ها و کتاب ها شود. (4)

اما چنانکه در "پر توی بر همدف" وضاحت لازم بخشیده شده ؛ من به ناگهان ؛ دچار یأس و سرخورده گی شدید گردیدم . بخصوص که اندیشه ها و نوشته های فلسفی و جهانشناسانه مذکور را حتی باسوادان منم گوی دور و بر درک و برداشت کرده نمیتوانستند .

بنده نمیتوانستم به این دل خوش کنم : برو ؛ آینده گان - آنهم در پوهنتون ها و اکادمی ها ... خواهند فهمید و ذکر خیری از من خواهند کرد .

من با محاسبه سرعت تحولات در جامعه بشری که به ناگزیر فرهنگ و اندیشه را هم متحول میکند ؛ حتم میدادم که آینده گان احتمالاً اندیشمندان به مراتب نیرومندتر و بهتری خواهند داشت .

در هر حال ؛ اندیشه ها و آثار من و نوات محترمی که همزمان با من قدم و قلم میزنند ؛ همین امروز باید فهمیده شود ، به فکر اکثریت ها نفوذ کند و به نیروی مادی برای تغییر اوضاع زشت و پلیشت کنونی که شایسته بشر دارای گوهر نسبتاً اصیل آدمی نیست ؛ قرار گیرد .

این است که دیوی یاس را در خود خفه کردم و در صدد پدید آوردن میتود و راه چاره فهما ساختن آنها برای همه گان بر آدم و این ؛ « گوهر اصیل آدمی » از آب در آمد !

سوال- گزینش «زینه ها» به جای واژه های متقارن «بخش» و یا «قسمت» درین کتاب تازه است. منظور شما ازین گزینش چه بوده است؟

تشکر. همین طور است. تصور بفرمائید همین لحظه ما ته چاهیم و اصلاً ته همین چاه پیدا شده ایم . حالا برای اینکه بتوانیم پهنه دنیا را ببینیم و دریابیم باید از چاه بدر آئیم ؛ لذا برای ما « زینه ها » ضرورت است .

مخاطب من ؛ هر افغان ، هر مسلمان و همه ابنای بشر است !

سوال - درین کتاب مخاطب شما چه کسانی اند و چه پیامهایی را خواسته اید به مخاطبین برسانید؟

پاسخ : مخاطب من ؛ هر افغان ، هر مسلمان و همه ابنای بشر !
پیام من این است که آنان به تدریج نه چندان بطی با حقیقت دنیایی که در آن آمده اند و زنده گی میکنند ؛ روبرو شوند . خیلی از فرهنگ ها و فلسفه ها و باور ها اساساً برای گریز از حقیقت عالم و آدم و یا پنهان داشتن عمدی و وارونه نشان دادن هدفمند آن برای توده های بشری به وجود آمده اند تا جائیکه «گوهر اصیل آدمی» را معروض به تباهی ها و عیوب و خسران های سهمگین و فلاکت زا ساخته اند .
کلید نجات آدمیت اینجاست !

پیام من به معاندین هم این است که حسب مثل زیبای پشتو « دا گز - دا میدان » ؛ اگر طور دیگر نیست با قلم و اندیشه و علم و منطق و آدمگری ؛ ثابت بفرمایند و به میدان بیاورند!!

(ادامه دارد)

رویکرد ها :

- 1 - <http://www.ariaye.com/ketab/eftekhar/eftekhar.pdf> پرتوی بر هدف
 - 2- یگانه برنامه طباعتی که توانست این چاپ را در هند میسر سازد.
 - 3- مجموعه «یاد داشت هایی از یک سفر» را در صفحات اختصاصی گزیده مقالات نویسنده در وب سایت رسانه نور به گونه پی دی ایف و در ویبسایت های آرپایی و وطندار بیشتر به فارمت «وورد» میتوانید باز یابی و باز خوانی فرمائید:
<http://www.nuroddin.de/artikel%20von%20aleme%20eftekhar/werken%20von%20aleme%20eftekhar.htm>
<http://www.ariaye.com/dari8/siasi/eftekhar.html>
<http://www.vatandar.at/efkhar.html>
 - 4 - از آن میان صرف جلد اول کتاب «معنای قرآن» و « جنگ صلیبی یا جهاد فی سبیل الله!» همراه با ویرایش نخست «گوهر اصیل آدمی» در انترنیت به نشر سپرده شده است . البته سلسله مقالات به اصطلاح یومیه سه سال اخیر شامل این محاسبه نیست :
<http://www.ariaye.com/ketab/eftekhar/eftekhar4.pdf> معنای قرآن
- <http://www.ariaye.com/ketab/jehad/jehad.html> جنگ صلیبی یا جهاد فی سبیل الله !
- <http://www.ariaye.com/ketab/jehad/jehad.pdf> جنگ صلیبی ... پی دی ایف

=====

- 1- در منطقه دیپلوماتیک دهلی جدید
- 2-3 سر در یکی از معابد هند - مجسمه لینکا و بگوانهای ویژه دیگر
- 3 4 آیا در این شرایط اقتصادی - اجتماعی و شرایط به مراتب فجیع تر و در هم شکننده تر از این ؛ گوهر آدمی میتواند سالم بماند
- 4-5 خانم حبیبه افتخار پس از اهدای یک جلد کتاب گوهر اصیل آدمی به جواندختر افغان در بخش امور بین لمللی یکی از شفاخانه های دهلی





